

وهابیزم و طالب سازی افغانستان

دكتور محمد فرید یونس

افغانستان منحيث منطقه حایل در قرن نهم و بیستم قربانی کشمکش های روسیه تزاری و بریتانیای کبیر و بعداً در قرن بیستم روسیه شوروی و ایالات متحده گردید و اما یک تحول اقتصادی در خاور میانه که عبارت است از فواره پترول در عربستان سعودی بود سیاست «بازی بزرگ» را تغییر داد. عربستان سعودی برای بقای خود زیر حمایت ایالات متحده قرار گرفت و اما در عین زمان خواست تا اهداف ایدیولوژیک خود را که وهابیزم باشد در منطقه پیاده کند. در شروع دهه هفتاد میلادی با تنگ ساختن صادرات پترول آمریکا را هم زیر فشار قرار داد. ایالات متحده آمریکا عربستان سعودی را منحيث یک شریک اقتصادی می بیند. تفاهم به همین نقطه شد که گاز و نفت عربستان به مفاد ایالات متحده صادر شود و ایالات متحده در عمل کرد سیاسی عربستان در منطقه کاری نخواهد داشت. به همین منظور هرگز ایالات متحده با عربستان سعودی در مورد حقوق بشر، حقوق زن، آزادی بیان و کلام، و زندانیان سیاسی و نظام مستبد سعودی سخن نه می گوید تا جایکه منافع اقتصادی آمریکا تأمین شود. حتی در قتل وحشیانه روزنامه نگار و اشنگتن پُست جمال خاشقجی که تبعه سعودی بود آمریکا اقدام لازم را نکرد و به فراموشی سپرده شد

مداخلات اخیر نظامی عربستان سعودی در امور بحرین و یمن، و مانع شدن سعودی ها از به میان آمدن نظام های مردمی در مصر این اندیشه را به وجود آورد تا برای درک اساسی حقیقت سوسیو- پولیتیک منطقه یعنی رابطه جامعه و سیاست و تأثیر اندیشه فکری سطح رهبری بالای سیاست، اولتر از همه، حقیقت را در ریشه فکری سعودی ها جستجو کنیم. زیرا از نگاه جامعه شناسی سیاسی این اندیشه فکری سطح رهبری است که باعث به وجود آمدن معاملات سیاسی و اجتماعی در جامعه میشود. به عبارت دیگر اندیشه فکری سیاسی ساخت و بافت جامعه را طرح ریزی میکند و حتی میتواند اندیشه فکری جامعه را به نفع خود تغییر دهد. و برای به هدف رسیدن به آرزو های سیاسی از هیچگونه تلاش مثبت و منفی دریغ نه می کنند. همچنان باید بدانیم وقتی که از اندیشه فکری سخن به میان می آید مقصد از اندیشه فکری یک گروه است نه همه جامعه. گروه سیاسی همیشه در تلاش است تا اندیشه فکری جامعه را به ذوق خود تغییر دهد و تا بدانوسیله تسلط سیاسی را مستحکم نماید. بعضی اوقات اندیشه سیاسی سطح رهبری به برخورد ها مواجه می شود. داستان نظام هیتلری در آلمان شاهد این مطلب است که نه تنها خواستند اندیشه فکری فاشیستی خود را مستحکم کنند، با استفاده از لغت «پروپاگاندا» جامعه را می خواستند متقاعد سازند چیزیکه می گویند حقیقت است. آلمان هیتلری به نام ناسیونالیزم خواست مردم را متقاعد کند و امروز وهابی ها می خواهند به نام توحید و تعریف که خود از توحید دارند، مردم را برای مقاصد سیاسی خود مهار کنند. یک عده چنان فریب خورده اند و عقل های شان مهار شده است که دیگر هیچ دلیل و برهان برای شان موجه نیست

درین نوشتار کوشش شده است تا منشاء دهشت افگنی، کشتار دسته جمعی، حملات انتحاری، دامن زدن تعصب، بر کنار کردن زنان از جامعه و ده ها مسأله دیگر را که وهابیان باعث شده اند بررسی گردد. امروز بدون اینکه مردم اعتراف به یک حقیقت تلخ به وجود آمدن یک مذهب به نام وهابی کنند، مذهب وهابی به کمک پترول دالر در جهان تکثیر شده است. همه هنوز هم به این فکر خام هستند که در تسنن چهار مکتب وجود دارد. در حالیکه امروز نباید از این زیاد تر خود را گول زنیم و یک حقیقت آشکار را که مذهب وهابی است و یک عده افغانان به سویه ملا مسجد و تحصیل یافته گرویده آن شده اند، پنهان کنیم. گرچه که منحيث یک مکتب فقهی ثبت نیست و اما تمایل تئولوژیک آن به حدی است که انکار آن نا ممکن است. مذهب در لغت یعنی روش و طریقه. مطالب را که شما خواننده گرامی درین نوشتار مطالعه می کنید یک روش زندگی است به نام وهابی زیر نام اسلام و توحید که امروز در کنار فساد اداری و قومی افغانستان کشور را بدبخت ساخته است. وهابیان در کوشش آن هستند به هر قیمت که می شود بالای مردم این طریقه را زیر عنوان توحید بقبولانند. آنانیکه تاریخ اسلام و روش های فکری اسلامی را آگاهی ندارند این مذهب را قبول کرده اند و اما اعتراف نه می کنند. آنانیکه اعتراف می کنند، خود آگاهی ندارند و کورکورانه پذیرفته اند. شخصیت که اصول دهشت افگنی، تنگ نظری و تندگرائی را در جهان اسلام معرفی کرد و اسلام را که برای

عدالت بشری ، گوناگونی فرهنگ‌ها و نژادها چنانچه در خراسان به میان آمد، زیست باهمی با دیگر ادیان چنانچه سلطه مسلمانان در اسپانیا شاهد آن است ، همه و همه را به نام تو حید که خودش یک تعریف داشت به نابودی کشاند، محمد بن عبدالوهاب (متوفی 1792 مسیحی) بود

عقیده او چنان بود که یگانه راه که مسلمانان راه خوشبختی را نصیب شوند و عبادات و اعمال شان از جانب خداوند قبول شود رو آوردن به اصل قرآن و سنت است. اما هیچ‌گاه نگفت که قرآن نظر به صوابدید زمان و مکان قابل تفسیر است چنانچه ابن عباس (رض) گفته است «القرآن ، یفسر الزمان» و یا احادیث که برای یک مقطع خاص تاریخ گفته شده و آن حدیث دیگر نمی‌تواند مورد استفاده باشد و یا جوابگوی نیازمندی های بشری در عصر حاضر باشد زیرا حالا در اثر مطالعات میدانی که سنت مقید به زمان است . قرآن و حدیث را به صورت متنی قبول کرد و هرگونه تفسیر و تأویل و اندیشه خارج از قرآن را کفر محسوب میکرد. هر آن چیزیکه در قرآن نیست همه کفر است حتی که با دین منافات نداشته باشد. محمد بن عبدالوهاب عقیده داشت که دین با افکار بیرون آلوده شده است و باید دین را ازین آلودگی نجات داد. اعتقاد داشت که فلسفه از یونان است پس کفر است. تصوف از خراسان آمده و دین را آلوده کرده پس کفر است و اعتقاد به اولیای کرام مال ترک های عثمانی است ، پس شرک و کفر می باشد. این مرد در زمانی زیست میکرد که جهان در دو سوی اتلانتیک یا اوقیانوس اطلس شامل تحولات بارز اقتصادی ،فکری ، و سیاسی میشد. انقلاب صنعتی انگلستان در حدود سالهای 1750 که جهان را از نگاه اقتصادی تغییر داد،انقلاب آمریکا در 1776 که اولین نظام دیموکراسی را در جهان معاصر بنیان گذاشت و رنسانس اروپا که از مسلمانان آموخته بودند، تحولات اجتماعی و سیاسی بزرگ را مانند افکار ژان ژاک روسو که باعث ظهور انقلاب کبیر در فرانسه (1789)گردید. همه این تحولات که در جهان روی داد و بازرگانان خواه مخواه اخبار را انتشار میدادند ، برای محمد بن عبدالوهاب بدعت ، شرک و کفر پنداشته میشد. محمد بن عبدالوهاب با هرگونه عقل گرایی و اندیشه فکری انسانی مخالف بود و آنرا کفر و شرک می نامید. عقل انسان در امور قرآنی اجازه ندارد که مطالب را تفسیر کند. قرآن و سنت بدون هیچگونه تفسیر و تاویل ، قدم به قدم و کلمه به کلمه باید در جامعه تطبیق شود در غیر آن جامعه به آلودگی ، فساد و بیراهه کشانده میشود. محمد بن عبدالوهاب گوناگونی مذاهب را دلیل بی اتفاقی مسلمانان میدانست و از همین لحاظ به علما و مکاتب پیش از خود اعتقاد و احترام نداشت چنانچه امروز وهابی ها ندارند و مذهب شیعه برایش کفر بود. یگانه مذهب که برایش قابل قبول بود از امام ابن حنبل (متوفی 855 مسیحی) است که امروز سعودی ها و کشور های خلیج به شکل ظاهری پیرو آن هستند و اما روش و سلوک شان وهابی است. در بین مذاهب چهارگانه سختگیرترین امام ابن حنبل است و شاید هم به همین منظور آن امام مورد تأیید اش بود. همچنان یگانه مفکر مورد قبول محمد ابن عبدالوهاب ابن تیمیه می باشد که او هم در مسایل روش سختگرا داشت. در مورد ابن تیمیه ، مطالب که به نوق خودش میبود، تأیید میکرد. محمد عبدالوهاب فقهیان ما قبل خود و هم عصر خود را شیطان و مسبب شیطان یاد میکرد. آن عده از علما که به عقل خود موضوعات را تحلیل و تفسیر میکردند از نگاه محمد ابن عبدالوهاب مشرک بودند. یادآوری از آن‌ها بدعت است. طور مثال شیخ فخر رازی (متوفی 1210 مسیحی) که الکهل را منحيث یک ماده ضد عفونی و ضد میکروب کشف نمود ، نزد محمد ابن عبدالوهاب یک کافر بود. وی و طرفداران او آن عده مردم که مخالف عقاید وهابی بودند ، به قتل رساندند چنانچه امروز با دهشت افگنی مردم بی‌گناه را به قتل می رسانند

برای عبدالوهاب و طرفداران او دوستی با غیر مسلمانان کفر است. در روش وهابی ها کفر است اگر کسی به یک غیر مسلمان تسلیت گوید و یا اول سلام گوید و یا او را دوست و همراز گیرد. درین روش القاب مانند دکتور ، آقای فلانی، خانم و غیره چون از غیر مسلمانان گرفته شده همه‌اش شرک است. کسانیکه در سعودی کار میکنند تنها حرف «د» را حق دارند به جای دکتور استفاده کنند. وهابی ها شدید مخالف زنان در اجتماع می باشند و حتی ختنه دختر باکره را برای اینکه باید از شهوتش کاسته شود مجاز میدانند که در هیچ مذهب دیگر مجاز نیست. اینکه طالبان زنان افغان را داخل چادری کرد و در خانه زندانی نمود از اعمال وهابی هاست. اینکه امروز زنان مسلمان حق یکجا بودن را در داخل مسجد ندارند از افکار وهابی هاست ورنه احادیث مکرر وجود دارد که زنان در عقب مردان نماز ادا می کنند

وهابیان مخالف تاریخ و فرهنگ هستند. تاریخ باستان یک کشور برای شان ، چون مطابقت به قرآن ندارد شرک

است و از همین لحاظ طالبان بزرگترین اثر تاریخ کهن افغانستان را که مجسمه بودا باشد به توپ بستند. همه قبور صحابه کرام و بزرگان اسلام در مکه معظمه و مدینه منوره از بین برده شده است و اثری از آن‌ها دیده نه میشود. هر چیزیکه از عرب نباشد قابل قبول نیست. اتنوسنتریزم یا قوم گرایی اساس عمده تفکر و هابی است. قوم گرایی طالبان که دیگران را قبول ندارند منشأ و هابی دارد در حالیکه اسلام شدید با قوم پرستی مخالف است. و اما ضدیت و هابی ها با ترکیه عثمانی باعث شد تا خون هزاران هزار مسلمان بریزد. محمد ابن عبدالوهاب چنین فکر میکرد که ترکان عثمانی باعث بدعت ها شده‌اند و باید از بین برده شوند. ابن عبدالوهاب قرآن را به مفاد خود تفسیر میکرد. از یکسو دوستی با غیر مسلمانان را کفر می‌شمرد و از سوی دیگر دست خویش را برای سر کوبی ترکان با انگلیس ها یکی کرد. با همدستی آل سعود و انگلیس یک اتحاد سه گانه را به وجود آوردند که تا امروز این اتحاد برای سرکوبی مخالفان دوام دارد. و امروز که مردم یمن و بحرین سرکوب می‌شوند از پالیسی های سه گانه و هابی، سعودی و انگلیسی است. از قرن هژده به اینسو هزاران مسلمان به خاک و خون غلتیده است و حملات انتحاری که توسط و هابی ها تمویل می‌شود شاهد قول ماست. هرگونه بدعت جوایش مرگ است. با گذاشتن لقب الموسلمون الموحدیون به خود، هزاران مسلمان که خلاف عقاید شان بوده و برای اینکه جامعه را به اصطلاح سچہ سازند به قتل رسانیده اند. بن لادن از بهترین مثال و پیرو ابن عبدالوهاب بود. عبدالعزیز ابن سعود برای تحکیم بخشیدن سلطه سیاسی خود یک قوه ملیشائی را تشکیل داد و به دستور و هابیان چهل هزار مسلمان را به دار آویختند و سه صد و پنجاه هزار دیگر را دست و پا بریدند.

قوت و هابی ها با به دست آوردن حرمین شریفین از دست ترکیه عثمانی و فواره پترول در قرن بیستم افزایش یافت. در اثر اعتراض کشور های اسلامی، پالیسی مذهبی و هابی تا اندازه تغییر کرد و از خشونت دست کشیدند و در عوض با پطرو دالر شروع به تبلیغ و هابیت در سطح بین‌المللی نمودند. خوشبختانه تبلیغات شان در افغانستان کمتر تأثیر داشت الی ظهور طالبان در افغانستان در عهد امیر شیر علی خان، علمای افغانستان و هابی را از خاک افغانستان اخراج کردند. بار دوم در عهد امیر عبدالرحمن خان، علمای افغانستان، و هابی ها را اخراج کردند. با به میان آمدن طالبان، و هابی گری به اوج آن رسید. اگر افغانستان دو باره اشتباه کند و به طالبان موقع داده شود این بار فرهنگ و تاریخ باستان افغانستان و عنعنات هزار ساله کشور که با دین منافات ندارد به زباله دانی تاریخ قرار داده خواهد شد و چون و هابی ها دشمن درجه یک شیعه می‌باشند لذا ایشان زیاد ترین ضربه را خواهند خورد. درین نظام آزادی های فردی، آزادی بیان و کلام، حقوق بشر، آزادی مذهب، حقوق مدنی مساوی بین زن و مرد وجود ندارد. و هابی ها از احادیث جعلی کار می‌گیرند و زنان را ناقص العقل می‌خوانند، تفسیر قرآن از دید و هابی ها کفر است و نباید نص قرآن تفسیر شود و هر آن کسیکه نص قرآن را نظر به زمان و مکان تفسیر می‌کند یا ظالم است و یا فاسق. این عقیده و هابی هاست. (برای مطالعات مزید این موضوع لطفاً رجوع کنید به کتاب "سرقه بزرگ" اثر خالد ابو الفضل استاد حقوق اسلامی در دانشگاه کلیفورنیا-لاس انجلس، (متن انگلیسی 2007).

امروز و هابی ها برای تکثیر و هابیت در گوشه و کنار جهان پول مصرف میکنند و برای تکثیر عربیت همه چیز را با حدیث توجیه میکنند. طور مثال یک عده جوانان در آمریکا به نام اینکه سنت رسول الله مبارک است پیراهن های دراز عربی در بر میکنند. این برای این است که و هابیان زیر عنوان اسلام، برای تکثیر عربیت رنگ اسلامی میدهند.

محمد ابن عبدالوهاب بدون اینکه نامی از تسلط عرب از نگاه سیاسی ببرد، ناسیونالیزم عرب را زیر نام اسلام تکثیر نمود. قسمیکه در بالا تذکر رفت هر چه عربی است آن سنت رسول الله است و اگر عربی نیست آن شرک است. چون هیچکس جرأت نه می‌کند در مقابل سنت رسول الله اقامه دلیل و برهان کند گرچه که آن حدیث جعلی باشد لذا کار و هابی ها سخت به اصطلاح زبان عامیانه افغانها "چوک" است. زیرا هر کس بر علیه حدیث رسول الله مبارک حرفی زند، از دید و هابیان کافر است. و این را همه می‌دانیم که احادیث پیشوای اسلام بعد از رحلت آن مبارک (ص) جمع آوری شده و امکان اشتباه انسانی میتواند متصور باشد. چطور امکان دارد که قرآن پاک گوید که انسان یعنی زن و مرد از نفس واحد آفریده شده و ما یک حدیث جعلی را قبول کنیم که زن ناقص العقل است؟ روزی جهان اسلام سردمدار عدالت، وقار و علم و معرفت و عدالت بود. امروز ما مسلمانان در آمریکا افتخار می‌کنیم که خانم هیلری کلنتون وزیر خارجه آمریکا نمایشگاه هزارمین جشنواره ساینس و

تکنالوژی مسلمانان را به نام 1001 اختراع ( 25 می 2012) در یکی از مشهور ترین موزیم های جهان یعنی موزیم مرکز علمی ساینس کلیفورنیا-لاس آنجلس افتتاح نمود و در بیانیه ویدیویی خود اظهار داشت که جای افتخار است که یک زن به نام فاطمه ال فخری اولین دانشگاه مدرن را هزار سال پیش تاسیس نمود. اما ما مسلمانان از خیرات وهابی ها زن ها را از مساجد بیرون کرده ایم و یکی فتوا میدهد که زن ناقص العقل است و دیگری فتوای میدهد که نکاح دختر چهار ساله مجاز است و دیگری با حدیث جعلی حکم صادر میکند که ختنه دختران خوب است. قرآن مجید به انسان آزادی بخشید و اولین آزادی، آزادی عقل و آزادی از اسارت فکری بود و اما امروز از خیرات وهابیان مغزها همه قفل است و اگر صدای خود را بالا کنید شما محکوم به کفر، ظلم و فاسق بودن می شوید. روزی بود که در حجاز شیعه و سنی، متصوف و همه در کنار هم به صلح و صفا زیست داشتند و اما امروز دیگر آن فضا نیست. یا شما به ذوق وهابیان زندگی کنید و یا کافر هستید. وهابیان که برای تبلیغات خود شدید در آمریکا پول مصرف میکنند، یک عده مساجد چون تکافوی احتیاجات خود را کرده نه می توانند، هدف وهابیان قرار گرفته اند و نتیجه آن بیراه ساختن مردم، تقاق، و تایید از افکار وهابی به نام توحید است. از خود سؤال کنیم چرا مامسلمانان با اینکه دین برحق به ما اعطا گردیده این همه پسمانده شده ایم. دلیل آن انحصار دین توسط وهابی ها، نبودن آزادی فکری و اسارت عقل مردم و قوم گرایی وهابی که در کشور ما توسط طالبان دامن زده شد. مردم افغانستان باید بیدار شوند که استثمارشان توسط دین آسان تر از کمونیزم و کاپیتالیزم است. وهابی گری یعنی از بین رفتن تاریخ و فرهنگ افغانستان. من تعجب نکردم که اولین سفر اشرف غنی به سعودی بود زیرا سعودی ها میخواهند دو موضوع با افغانستان واضح باشد. راه ندادن فرهنگی ایران در افغانستان و تکثیر قابل ملاحظه مذهب وهابی در کشور. تا حال که دیده می شود سفر اشرف غنی به سود افغانستان نبوده است زیرا حملات طالبان روز به روز بعد از 29 سپتامبر 2014 یعنی به وجود آمدن حکومت وحدت ملی، زیاد تر شده است

اگر امروز جوانان شما به فکر آزاد اعتقاد ندارد. اگر جوانان دختر شما نقاب می پوشند. اگر جوانان شما پیراهن های دراز عربی به بر می کنند. اگر جوانان شما به مولانا و سعدی احترام ندارد و مخالف شعر و ادب است. اگر جوان شما مخالف موسیقی است و اگر جوان شما مخالف کار کردن خواهرش و مادرش در بیرون از منزل است، اگر جوان شما مخالف تجلیل از نوروز و برافراشتن علم مبارک در مزار شریف است و میله باستانی گل سرخ است باید بدانید که توسط وهابیان مغز شوئی شده است

جالب است که ایالات متحده آمریکا در 2001 طالبان را تار و مار کرد و اما امروز با اینکه ملیارد ها دالر برای مبارزه با تروریسم و وحشت و دهشت طالبان به مصرف رسید به میز مذاکره می نشیند. این روش سعودی است. مردم افغانستان باید بیدار شوند که روزی به نام پشتونیزم و بعد آن به نام کمونیزم و این بار به نام وهابیزم زیر عنوان دین استثمار خواهند شد. و از نگاه جامعه شناسی خطرناکترین استثمار، استثمار دینی است. با آمدن وهابیزم افغانستان درباره به صفر میرسد. و این بار مصمم هستند زیرا خصومت آمریکا و اسرائیل با ایران چاقوی عرب را زیاد تر دسته میدهد. وهابیان صله رحم ندارند. صد ها جوان به نام کفر راه زندان نی بلکه مرگ سوق داده خواهد شد. سالهای که طالبان در قدرت بودند به یاد بیاورید، اینبار صد برابر خشن تر رویه خواهند کرد زیرا عربستان یک ولیعهد فوق العاده نادان و خودخواه دارد و با همین تفاهم به آمریکا رسیده است که ما عربها موضوع گاز و نفت شما را حل می کنیم و شما خاور میانه و کشور های اسلامی را به ما واگذار کنید. همینطور هم شده است. فرید زکریا برنامه ساز مشهور اصیل الاصل هندی-امریکایی که در سی ان ان روز های یکشنبه برنامه دارد، در برنامه 14 ماه اپریل 2019

گزارش داد که سعودی ها نظام دموکراسی اندونزی را میخواهند بر هم بزنند و ناآرامی ها در آن کشور شروع شده است. کشور که یک نمونه بارز دموکراسی در یک کشور اسلامی است. آمدن طالبان در صحنه سیاست افغانستان بزرگترین اشتباه تاریخی و فرهنگی است. سرمایه آزموده را باز آزمودن خطاست

دکتور محمد فرید یونس

سابق استاد بشر شناسی فرهنگی خاور میانه و فلسفه اسلامی در دانشگاه ایالتی کلیفورنیا

مأخذ

شهاب ثاقب در رد وهابیان کاذب

سال چاپ 1288 هجری قمری مطابق 1871 میلادی. متن  
فارسی کتابخانه دفتر هند 30 نوامبر 1908  
تقویم الدین به اهتمام عبدالرزاق بیک دهلوی. چاپ مطبع دارالسلطنه کابل. سال چاپ 1306 هجری قمری عهد  
امیر عبدالرحمن خان  
سرقت بزرگ. متن انگلیسی اثر دکتور خالد ابوالفضل. از نشرات هارپر سان فرانسیسکو 2005